

فاسق خانم چترلی

تحلیلی پیرامون جنجالی و حادثترین
رمان نیم قرن اخیر و توصیفی از هربرت لارنس
نویسنده رنجها . شکنجه و امیدهای انسانی.
انسانهای رنج دیده و محروم .

مختصری درباره نویسنده

دیوید هربرت لارنس درالیست وود از
قراء (فاتینکهاشایر) در سال ۱۸۸۵ متولد شد
چهارمین فرزند معدنچی فقیری از اهالی ناحیه
مزبور بود. در سیزده سالگی با دریافت کمک
تحصیلی از دولت انگلیس وارد دبیرستان
ناتینگهام شد و پس از چند سال از قیل و قال
مدرسه بستوه آمد و در فروشگاه لوازم و اثاثیه
طبی با دریافت سیزده شیلینگ در هفته مشغول
کار شد. و خیلی زود از فروشنده گی و کار در
فروشگاه خسته و کسل گردید و مجدداً برای
ادامه تحصیل به دبیرستان پناه برد و مصمم
گردید شغل معلمی را پیشه کند و در طول مدتی
که در دانشگاه ناتینگهام برای دریافت پروانه
آموزگاری کار میکرد نخستین اثر این نویسنده
پر ارزش بنام (طاووس سفید) در سال ۱۹۱۱
منتشر شد و از این به بعد با استثناء دو سال که



بانوی دانشمند «منیر برزین»
مقاله تحقیقی «فاسق خانم چترلی»
را برای مطالعه کنندگان آثار
نویسندگان ادبیات انگلیس
بخصوص دی. اچ. لارنس تنظیم
کرده اند.

اثر پر ارزش دیگر خانم
برزین جزوه جالبی است از خانم
لمبیتن تحت عنوان «اوضاع اجتماعی
ایران در عهد قاجاریه» و رمانها
بخصوص نوول «داستانی برای
دخترم» معرف ذوق و قدرت خلاقه
و بدیع نام برده در هنر نویسندگی
است. ماضن اظهار کمال تشکر
امیدواریم در آینده بمعرفی سایر
آثار ادبی ایشان موفق گردیم.

بمدیریت مدرسه گرویدون منصوب گشت و در تمام مدت از راه نویسندگی ارتزاق میکرد. بعداً برای مدت دو سال در ایتالیا و آلمان اقامت نمود و در مراجعت به انگلیس در سال ۱۹۱۴ او در آستانه جنگ بین‌المللی اول با فروید امن‌ریج توفن عروسی کرد پس از خاتمه جنگ جهانی اول و زمانی که هنوز شعله‌های آتش جنگ از فراز عمارت‌های مخروبه اروپا بچشم میخورد لارنس به انگلیس مراجعت کرد و از آنجا به استرالیا و سپس به آمریکا رفت و برای مدت کوتاهی در نیومکزیکو اقامت نمود ولی سرانجام مجدداً در سال ۱۹۲۹ با اروپا بازگشت و در همان سال بسختی مریض شد و در ۲ مارس ۱۹۳۰ بعلت ابتلاء به بیماری سل برای همیشه قلب نویسنده بزرگی که حتی پس از مرگش داد گاه‌های انگلیس اجازه انتشار آثار غیر عادی و عجیب او را نمیدادند از حرکت باز ایستاد و بدین ترتیب ادبیات نویسنده پراچی را که محققاً با جسارتی بی‌سابقه و مهارتی خاص به ترسیم زوایای ناشناس و مجهول طبیعت و تحلیل حالات روحی نامأنوس مردمی که در اجتماع مازندگی غیر عادی دارند و بهتر از غالب نویسندگان هم‌عصر خود موفق شده است بتأثر انگیزترین وجهی از دست داد.

قضاوت درباره آثار لارنس و شناخت لارنس کار بفرنجی است و آنقدر در باره او مبالغه شده که بر آن چیزی نمیتوان افزود و یا از آن چیزی کاست، ولی اصولاً باید پذیرفت که بر خورد و تماس با نویسنده بزرگی که در عین حال واجد شخصیت نادر و استثنائی است با مردم هم‌زمان خود پر تفصیل، حاد و غامض و در عین حال دلپذیر و جالبست بفرنج و پر تفصیل از آن جهت که از نویسنده در فواصل نا منظم آثار متضاد و نا آشنا بمنظور تعبیر و بیانی تازه از حقایقی که در اجتماع میگردد و کاملاً خلاف پسند اجتماع است و بقیام و عصیانی آشکار علیه سنت‌های پوسیده و پسندیده اجتماعی محسوب میشود با اجتماع عرضه میگردد و نتیجتاً باعث دگر گونیها یا در حداقل دلهره تشویش و اضطراب سالکان طریقت و سنت‌های قدیم میشود. جالب و دلپذیر از آن جهت که خوانندگان آتی این آثار در سال‌هایی که خواهد آمد محالست عکس‌العمل حاد و عجیبی که انتشار اینگونه نوول‌های جنجالی و غیر عادی در بین

مردم و در زمان معینی ایجاد میکنند و احساسات آتشین و تند زمان را بعداً و در آینده حس و درك کنند. ضمناً برخی آثار غیر عادی از نویسندگان غیر عادی عرضه میشود که مانند پتک و ضربه سهمگینی بر مغز و روح خوانندگان غیر عادی فرود میآید و آنها را آنطور عصبانی میکند که ترجیح میدهند گره برپیشانی انداخته و با چهره ترش و عبوس آن اثر را بکناری پرتاب کنند و هرگز سراغی از آن نگیرند یا خود را بفصلی و قسمتی از آن کتاب دلخوش نمایند یا راحتتر فقط بدکر شرح و احوال نویسنده و خالق آن اثر قانع شوند. بلا تردید این همان سرنوشت عجیبی است که در همه ایام نصیب اکثر متفکرین شده است و بدین ترتیب تعجیبی نیست اگر لارنس نویسنده قادر انگلیسی و خالق اثر غیر عادی « فاسق خانم چترلی » مثل دیگر نوابغ و هنرمندانی نظیر فروید البوت - ژید - پروست همان راهی را طی کند که دیگران آنرا با همه صعوبت با سرسختی پیموده اند .

لارنس در واقع همسنگ همان نویسندگان نیست که در آثار خود با عناد و لجاج به سنتها و آداب متداول در اجتماع و با اجتماع ذهن کجی میکنند، از چنگال اهریمنی سنتهای مبتذل اجتماع رنج میبرند و رسوم متعارف اجتماعی را پوچ میدانند و عیناً نظیر صادق هدایت . بلی بک والت و ایتمن و یا ادگار آلن پو از بت شکنی لذت میبرند و میکوشند آن افکار سخیفی را که بنام اخلاقیات برای خود حجت پایداری را در اجتماع قائلند مسخره کنند و اخلاق و معنویات یا بعبارت دیگر حقیقت را عریان نه بآنتریبی که دیگران می بینند مجسم نمایند. لارنس با این مشخصات بنظر گروهی نویسنده ای ذلیل و عبد شهوت و هرزگی و پیر و مکتب فرویدسم و آزادی روابط و علائق جنسی است و عده ای دیگر بحق او را نویسنده رنجها و شکنجه امیدهای انسانی میدانند و افکار جوشان او را نیز بنزدیکی و عشقی که لارنس به طبیعت و آزادی انسانها دارد مربوط دانسته و بهمین جهت معتقدند که آثار لارنس مبین رنج رنجها و رنج جهان معاصر ما است که بار رنجهای معمولی فاصله و تفاوت دارد و قلب و روح انسانهای رنج دیده را از لذت شناخت و آگاهی لبریز میکند با همه این اوصاف

مقام واقعی لارنس را باشکال از میان نه غبار اتهامات دروغینی که چهره معصوم او را پوشانیده میتوان تشخیص داد .

شناخت لارنس با اینکه هنوز بیش از ربع قرن از مرگ او نمیگذرد عمل مشکلی است لارنس با اینکه اشعار دلپذیر نظیر (زورق مرگ) دارد ولی شاعر نیست بهمین ترتیب محصول بیست و پنج سال عمر نویسنده گی لارنس و صادرات ادبی این نویسنده بشکل مقالات در زمینه متایسیکولوژی ، نمایشنامه و نظایر آن زودتر از آنچه تصور میرود محکوم به زوال و فراموشی است داستانهای کوتاهی که از لارنس باقیمانده آنقدرها دلپذیر و قابل توجه نیست که آثار پایداری محسوب گردد شهرت لارنس در گرو یادداشتهای مسافرت رمانها و بخصوص رمانهای اوست لارنس در رمانها با چهره حقیقی بدون حجاب ظاهر میشود و بطوریکه حتی خودش اظهار میکند وصول بحد اعلائی مرتبه نویسنده گی است و وقتی بر مان نویسی میپردازد چنین مقام و منزلتی حتی از مرتبه شعر و شاعری دانش و دانش پژوهشی فلسفه و حکمت و حتی از مرتبه هادیان و پیغمبران قوم و الاوبر تراست و رمان تنها اثر درخشنده زندگی است لارنس و افکار لارنس را در نزدیکی و عشقی که به طبیعت دارد باید منحصرأ در نوولهای او جستجو کرد .

در نوول «زن عاشق» «کیک عقرب» «فرزندان و عشاق» و بالاخره «فاسق خانم چترلی» افکار جوشان لارنس که بمذاق اکثر اشخاص خوش آیند نیست با وضوح به چشم میخورد عیب لارنس اینست که (البته اگر بتوان آنرا عیب نامید) در چهارچوب مقررات ادبی فکر نمیکند و بیاعتنا از حصار شکننده ای که نقد ادبی پیرامون ادبیات از نقطه نظر مذهب و اخلاق کشیده عبور میکند لارنس از غمازی های طبیعت در غرب استرالیا از خانه های محقر کارگری در ناحیه معدنی تلتینگها مشایر از اراضی سوخته و خاکهای آفتاب زده نیومیکزیکو و همچنین دهات مهجور و زشت میدلند و یاز جنوب ایتالیا همانقدر بامهارت صحبت میکند که وقتی به تجزیه و تحلیل زوایای مبهم و ناشناس ارواح تپهای غیرعادی رمان های خود میپردازد نظیر دکتر الکلی و زنش مدی ماری والیس و دختران آنها در طاوس سفید لوئیزا رفیق هلن و آلمانها که سوار قطار باری میشوند در اثر عابرین و یا تپهایی که بدان

هاشکل و فرم افسانه‌ای میبخشد و یا خواص انسانی را از آنها سلب میکند مثل ویلیام در (قوس و قزح) یا دون راسن در «کیک عقرب» و یا ملور قرقچی «در فاسق خانم چترلی»

داستان «فاسق خانم چترلی» مربوط به عشق یکنفر شکارچی با زن اربابش است و از اینجا شروع میشود که ارباب سر گلیفر یکی از صاحبان معادن ناحیه صنعتی میدلند از ناحیه کمر به پائین بسختی افلیج شده و توانائی جنسی خود را از دست داده وزن زیبا و جوانش بدلیل محرومیت جنسی شوهرش باغ-وش ملور شکارچی پناه میبرد و فارغ از رنجها و آلام زندگی محرومیت ماشینی جهان سرمایه داری و آریستوکراسی در نیمه شبها در اعماق جنگل در پستو و زوایای کلبه چوبی یک شکارچی وحشی روی کف زمین زیر پوش خود را با عناد تمام بکناری پرتاب و لخت و عریان بدن خود را تسلیم ملور مرد وحشی جنگل میکند تا او بدلتخواه ساق پا، ران ها و سایر نقاط نامحرم بدنش را به خشونت لمس کند و شبی را با همه گناهها و لذتها صبح کند لارنس در این اثر همه تلاشها را بکار میبرد تا طبیعت عشق را باغرائز انسانی پیوند دهد کنستانتین زن زیبا و دل فریب همسر ملیونر افلیج با مرد وحشی جنگل قبایح زندگی سرمایه داری را بی اعتنا تلقی نموده و در آغوش همدیگر بدنبال سعادت میگردند. ارباب چون افلیج و عقیم است و میل و آرزوئی ندارد متعرض زنش نمیشود و شرم زده بزبان بیزبانی بزنش میفهماند که هر جا میخواهد بدنبال هوس های دلش برود و هر کاری میخواهد بکند ولی فقط باید با طبقه اشراف معاشرت کند. این کارها با غیر طبقه اشراف باعث بی آبروئی میشود و اگر در اثر اینگونه معاشرت با صاحب اولاد شود تازه آنوقت درهای سعادت بروی خانواده گلیفر باز میشود ولی برای کنستانتین زن ارباب عشق اشراف قابل هضم نیست و اگر باغوش آنها پناه ببرد مرگ بسراغش میآید و با همه زشتی و فساد عشق ملور شکارچی را که لازمه گذشت و فداکاریست انتخاب میکند و با آزادی آنچه را که دلش حکم میکند انجام میدهد و بدلسوزیهای مردم بدیده تمسخر نگاه می نماید. لارنس در این اثر زشتترین تعبیرات و قبیحترین کلمات را بکار میبرد و بالججاج حرفهائی که تکرارش

مشکل است باز گومی نماید و با او امتناعی ندارد که با وقاحت آنچه را که بین ملور شکارچی وزن ارباب در داخل اطاق و در داخل رختخواب میگذرد تعریف کند و برای ارضاء شهوت عفن و گندیده زن یکمرد پولدار ولی عقیم باشهوت خام یکمرد وحشی اثر بدیعی را خلق و ایجاد کند و بآرامی گرهی کور از زندگی اجتماع اشرافی انگلیس باز کند .

یقیناً کتاب «فاسق خانم چترلی» و انتقادات عجیبی که باین اثر هنری شده است بیش از هر چیز بمعروفیت لارنس کمک مینماید گرچه با انتشار این کتاب یکمترتبه حسن انتقام جوئی آریستو کراسی انگلیسی بحرکت درآمد و دادگاههای انگلیس با بیرحمی تمام برای سالها انتشار آنرا تحریم کردند ولی پس از مدتی کوتاه سایر ملل جهان بدون اینکه ارزشی برای اعتراضات آنها قائل شوند کتاب مزبور را منتشر کردند و از این اقدام ضرر بیشتر عاید مخالفین لارنس شد .

بی اعتنائی به سنتهای پسندیده و متعارف اجتماعی و عشقی که لارنس به طبیعت غماز میورزد تنها گناه او محسوب نمیشود و تمام منقدین متعرض این دو موضوع و در عین حال جسارت و بی پروائی او در بکار بستن کلمات مستهجن شده اند ولی همانها با گذشت سالها شرم زده اعتراف کردند که در وراء همه دشمن کامیبا نتوانسته اند از اثر و اهمیت آثار لارنس چیزی بکاهند و انسانهای محروم بیش از دیگران برای این نویسنده بدیع بحق احترام قائلند .

پرتال جامع علوم انسانی



حاشا کن مرا

شعر میگوید که انشا کن مرا
راز میگوید که افشا کن مرا
گر کسی پرسید حاشا کن مرا
شهریار

حسن میگوید تماشا کن مرا
عشق میخواهد که پوشم رازوی
من چه میگویم سراندر زیر بال